

کالسکه‌ها در دستِ زنان شهر

وقتی در خیابان‌های شهر قدم برمی‌داریم با تصاویر گوناگونی از حضور زنان روبه‌رو هستیم؛ یکی از این تصاویر در دست داشتن کالسکه کودکان است و آن دیگری کالسکه خرید است که آنان با حجم بزرگی از خرید روزانه به همراه می‌برند! کالسکه‌هایی که با خود بخشی از مسوولیت زنان را در خانواده همراهی می‌کنند. مسیر گذر این کالسکه‌ها که ابزاری برای تردد آسان در شهر برای زنان است، امروزه به معضلی جدی مبدل شده است! مسیر تردد زنان کالسکه به دست به دلیل نامناسب بودن فضای تردد در شهر بستری برای بروز ناامنی شده است. ناهمواری پیاده‌روها، ناکافی بودن فضای پیاده‌روها، انقطاع مسیر آنها و اتصال بی‌محابای آنها به خیابان امنیت زنان کالسکه به دست را دچار چالش کرده است.

اصولا ایجاد فضای شهری مناسب برای تمامی گروه‌های اجتماعی، از طریق شناخت نیازهای کیفی و فضایی آنها در شهر شکل می‌گیرد. پذیرش جنسیت در شهر به معنای ایجاد ظرفیتهای لازم برای بهره‌گیری همگان از شهر و فضاهای عمومی است که البته تفاوت‌های خاص خود را ایجاد می‌کند! در واقع با پذیرش جنسیت در شهر هر نوع رفتاری کالبد مناسب خود را طلب می‌کند. لذا پذیرش زنان (مادر) یا زنان به‌طور عام در جامعه به معنای گسترش امکانات لازم کالبدی برای بهره‌گیری آنها از فضای شهری يك الزام جدی برای مدیریت شهری است. بنابراین ایجاد فضاهای شهری مناسب و پاسخگو به نیازهای زنان و روابط بین محیط و فعالیت‌های آنها، امری جدی و اجتناب‌ناپذیر است. نگاهی به پیرامون برای هر بیننده‌ای در شهر ضرورت توجه به این مهم را جدی می‌سازد. در تحقیقی که در سال 1394 در محله گلستان در تهران در منطقه 22 صورت گرفته، پژوهشگران دریافته‌اند که با افزایش ایمنی و امنیت، زمان فعالیت و معاشرت‌پذیری در فضاهای شهری، میزان [فعالیت زنان](#) نیز افزایش می‌یابد. این مهم به این معنا است که برای مشارکت بیشتر زنان در شهر نیازمند تدارك ویژه جهت مناسب‌سازی حضور آنها هستیم.

زنان کالسکه به دست بخشی از هویت اجتماعی شهرها هستند و نادیده انگاشتن نیازهای آنها به معنای عدم توجه به الزامات شهری برای همه است. اگر تقسیم‌بندی حضور در فضا را به دو صورت فعال و غیر فعال در نظر بگیریم با توجه به حجم گسترده شهرنشین‌ها در شهرها و ضرورت مشارکت مردان و زنان در انجام امور روزمره و خانواده الزام به ایجاد تسهیلات برای بهره‌گیری از فضا برای هر دو جنس ضروری است.

امروزه دیگر نمی‌توان مفهوم عدم فعالیت را برای زنان در شهر تعریف کرد چرا که این تعریف مدت‌هاست که به حاشیه رفته است. رشد شهرنشینی و تحولات زندگی شهری منجر به فعالیت همه افراد جامعه شده و هرکدام بنا به ضرورت و نیاز جامعه بخشی از وظایف را برعهده دارند.

برخی از طراحان شهری معتقدند که شهرها به دلایل تاریخی با توجه به گستردگی حضور مردان برای کار و اشتغال معمولاً برای مردان بالغ طراحی شده است و این مهم منجر به عدم توجه به نیازهای دیگر شهروندان شده است. در واقع از منظر آنها شهر از سوی مردان و برای مردان طراحی شده است.

در واقع فضای شهری کالبدی است عمومی و حضور و مشارکت همه شهروندان در آن به معنای ایجاد تسهیلات لازم است. کالبدی که از نیاز شهروندان به دور باشد و تنها برای گروهی خاص تدارک دیده شود قادر نیست به بستری برای تعامل و مشارکت مبدل شود. لذا بازنگری بر اصول طراحی‌های شهری و توجه به نیاز شهروندان و پذیرش جنسیت به عنوان یک اصل گریزناپذیر در زندگی ضرورتی انکارناپذیر است.

از این رو با توجه به نگاه برخی از کارشناسان از آنجا که «فعالیت اساس ساختار یک فضا است، پس وقتی کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد، افراد دلیلی برای وارد شدن به فضا و خروج از آن دارند و این یعنی فعالیت و این یعنی الزام به حضور در فضای شهری»!

بر اساس تحقیقی پنج عامل اساسی برای [تردد زنان](#) در شهر اثرگذار است که عبارت است از: امنیت و ایمنی، دسترسی و تحرک‌پذیری، معاشرت و جمعیت‌پذیری، شرایط کالبدی، آسودگی و زمان انجام فعالیت.

این مهم به این معنا است که اگر مشارکت زنان در امر شهروندی الزامی جدی برای تداوم زندگی شهری است بسترسازی برای حضور آنها نیازمند تدارک ویژه است. کالسکه مثالی از نوعی کارکرد برای تداوم حضور زنان است. شهر بدون مادر و کالسکه و کودک و... شهری نیست که بتوان نام شهر برایش نامید چراکه با حذف بخشی از اساسی‌ترین مبانی شهری یعنی زنان سعی در کالبدسازی بدون هویت و بدون نیاز یا حداقل تنها بخشی از آن می‌شود.

در واقع از آنجا که افزایش شهرنشینی باعث ایجاد تحول در جامعه و پیدایش نقش‌های جدیدی برای زنان شده است و الگوهای خرید را از مردانه به زنانه تغییر داده و زندگی و تعامل با شهر و شهروندان را دچار تغییرات چشمگیری کرده، توجه به نیازهای آنان را نیز جدی کرده است.

این مهم در الگوهای اوقات فراغت نیز اثر گذاشته و تغییر [سبک](#)

زندگی به معنای باور پذیر ساختن نقش زن در الگوهای ساخته شده در تامین نیاز خانوار، در اوقات فراغت کودکان، در اشتغال و حتی معاشرت شهری و... شده است.

لذا شهری که فضای کالبدی خود را بدون نیاز زنان شکل دهد دارای اشکالات جدی است و تهران نیز با این رویکرد دست به تغییراتی در مناسبسازی فضا زد. طرح شورای پنجم شهرداری تهران در مناسبسازی 1000 کیلومتر پیاده‌رو بستری چندگانه برای توسعه حضور همه شهروندان از جمله زنان کالسکه به دست بود که ایمنی لازم برای تردد را در اختیار بگیرند و قادر باشند شهر را نه دور از خود که برای خود بدانند و فرصت تردد در شهر را اختصاصی نبینند. در این طرح که نقشه آن توسط مشاور تحت عنوان مناسبسازی فضای شهری طراحی شده بود مقرر شد سالانه 1000 کیلومتر از پیاده‌روهای شهری مناسبسازی شود! اما متأسفانه این طرح همچون دیگر طرح‌ها ظاهراً دستخوش حوادث تغییر مدیریتی شده است. لزوم توجه دست‌اندرکاران امور شهری به این مهم چه از سوی مدیران اجرایی شهر و چه از سوی مصوبه‌گذاران شهری جدی است. امید است این یادداشت بتواند نسبت به این مهم توجه آنان را جلب کند.

**زهرا نژادبهرام